



توصیه امام صادق(ع) به شیعیان در مورد اهل سنت

امام صادق (ع) با مخالفان فکری و اعتقادی خود به نرمی سخن می‌گفتند و با آنها مناظره می‌کردند. لذا توصیه امام در مورد مخالفین اعتقادی -نه معاینیدن و دشمنان- ارتباط و گفتگوست.

امام صادق (ع) با مخالفان فکری و اعتقادی خود به نرمی سخن می‌گفتند و با آنها مناظره می‌کردند. لذا توصیه امام در مورد مخالفین اعتقادی -نه معاینیدن و دشمنان- ارتباط و گفتگوست.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: یکی از توصیه‌های مهم امام صادق (ع) به شیعیان که همواره مورد بحث و بررسی بوده و در شرایط حال حاضر جهان اسلام از اهمیت دوچندانی برخوردار است، توصیه این امام بزرگوار در مورد وحدت و مواجهه با مخالفین شیعه است.

آن حضرت در روایتی که در کتاب شریف کافی و همچنین تحف العقول آمده، فرمودند: به عیادت مریض‌های اهل تسنن بروید! امانت آنها را ادا کنید! به نفع آنان در دادگاه شهادت دهید! در تشییع جنازه مردگان آنها حضور پیدا کنید! در مساجد آنها نماز بگذارید! تا بگویند که فلانی جعفری است بگویند فلانی شیعی است که این‌گونه عمل می‌کند و این من را خوشنود می‌سازد!

پس با این توصیف بعد از قرآن و پیامبر اسلام (ص)، امام صادق (ع) را به حقیقت می‌توان اولین منادی وحدت نامید. چرا که برای همدلی بین مسلمانان فرمودند: «من صلی معهم فی الصف الأول کان صلی خلف رسول الله» یعنی کسی که به همراه برادران اهل تسنن در صف اول نماز جماعت شرکت کند مانند کسی است که پشت سر رسول خدا صلی الله علیه وآله نماز خوانده و به او اقتدا کرده باشد.

به مناسبت شهادت امام صادق به بازخوانی سیره آن حضرت در مورد مواجهه با مخالفین و اهل سنت خواهیم پرداخت:

نحوه تعامل امام صادق (ع) با علمای غیر شیعه و اهل سنت

حجت الاسلام مسائلی در مورد نحوه تعامل امام صادق (ع) با علمای غیر شیعه و اهل سنت به خبرنگار مهر گفت: امام صادق (ع) آن قدر رفتار پسندیده‌ای با علمای اهل سنت داشتند و با آن‌ها هم نشینی داشتند که این افراد احساس نمی‌کردند با شخصیتی روبرو هستند که ریاست یک مذهب مخالف آن‌ها را به عهده دارد. تا جایی که این افراد مرید و هم‌نشین امام صادق (ع) می‌شدند. همواره با حضرت بودند و سفرهای بسیاری با حضرت رفتند و در منزل امام صادق (ع) حضور پیدا می‌کردند.

وی ادامه داد: این علما، اهل بیت (ع) و به خصوص امام صادق (ع) را به خوبی می‌شناختند و به فضل و علم و منزلت اهل بیت (ع) پی برده بودند. ابو زهره عالم سنی می‌نویسند که «ما أجمع علما الاسلام علی اختلاف طوائفهم فی أمر کما أجمعوا علی فضل الامام الصادق و علمه»؛ هیچ کدام از علمای اسلام در هیچ امری اجماع ندارند این‌گونه که بر فضل و علم امام صادق (ع) اجماع دارند.

وی افزود: اگر کتاب‌های اهل سنت را بررسی کنیم کتابی را پیدا نمی‌کنیم که در آن از امام صادق (ع) معارفی را منتقل کرده باشد و به واسطه آن به امام صادق (ع) بدگویی کرده باشند. معاشرت‌ها و اخلاق پسندیده امام صادق (ع) موجب شده بود آن‌ها انصاف را رعایت کنند.

حجت الاسلام مسائلی گفت: مالک بن انس هم یک گفتار خیلی معروف در مورد امام صادق (ع) دارد که «ما رأی عین و لا سمعت أذن و لا خطر علی قلب بشر افضل من جعفر بن محمد الصادق فضلا و علما و عبادتا و ورعا»؛ هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر دل هیچ بشری خطور نکرده است؛ کسی که از جهت فضل و علم و عبادت و ورع برتر از امام جعفر صادق (ع) باشد. این امر به واسطه این بوده است که با امام صادق (ع) برخورد داشته‌اند و در خانه امام صادق (ع) بر روی آن‌ها باز بود. برای مثال مالک بن انس کسی است که با امام صادق (ع) سفر حج می‌رود، از امام صادق (ع) روایت نقل می‌کند.

وی ادامه داد: او بیان می کند که مدتی خدمت جعفر بن محمد مشرف می شدم، او اهل مزاج بود و همواره تبسم ملایمی بر لب هایش نقش می بست. آنگاه که در محضر او نامی از حضرت رسول خدا (ص) برده می شد رنگ به کبودی و سپس زردی می گرایید. مدتی با او رفت و آمد داشتیم و او را خارج از سه حالت ندیدم، یا نماز می گذارد یا روزه بود و یا به قرائت قرآن اشتغال داشت. هرگز بدون وضو از حضرت رسول (ص) نقل حدیث نمی کرد و سخنی به گزاف نمی گفت. ایشان به تعبیر قرآن از آن دسته از علمای زاهدی بود که ترس از خدا سراسر وجودش را فراگرفته بود. هرگز به خدمت او شرفیاب نشدم جز اینکه زیرانداز خود را از زیر پای خود برمی داشت و زیر پای من می گذاشت.

وی افزود: در نقلی دیگر از مالک بن انس آمده است که وقتی به محضر امام صادق (ع) وارد می شدم برای من پشتی و تکیه گاه می گذاشتند و برای من ارج و منزلت قائل می شدند. او از امام صادق (ع) نقل می کند که می فرمودند: «يَا مَالِكُ إِنِّي أُحِبُّكَ»؛ ای مالک من حقا تو را دوست دارم و مالک ادامه می دهد که من در برابر این سخن مسرور می شدم و حمد خدا را به پاس این محبت حضرت به جا می آوردم.

نحوه تعامل امام صادق (ع) با عامه مردم اهل سنت

حجت الاسلام مسائلی در مورد نحوه تعامل امام صادق (ع) با عامه مردم اهل سنت و انتظار امام از شیعیان در مورد تعامل با اهل سنت گفت: سیره و رفتار امام صادق (ع) در دید عمومی و کلان نسبت به همه مسلمانان همچون تعاملشان با علمای اهل سنت بود. در خانه امام صادق (ع) بر روی همه مسلمانانی که نیازمند بودند و مشکلی داشتند باز بود. از حضرت سوال می کردند، کمک می خواستند و امام صادق (ع) نیز به قدر توان کمکشان می کردند. از طرف دیگر حضرت (ع) شیعیان خود را به خوش رفتاری توصیه می کردند. این توصیه آن قدر بسیار است که خود می تواند کتابی مفصل درباره امام صادق (ع) شود.

وی ادامه داد: به عنوان مثال در توصیه به پیروان، امام صادق (ع) می فرماید: «اقْرَأْ عَلَيَّ مَنْ تَرَى أَنَّهٗ يُطِيعُنِي مِنْهُمْ وَ يَأْخُذُ بِقَوْلِي السَّلَام»؛ به هر کس مواجه شدی و فکر کردی از من اطاعت می کند، سلام مرا به او برسان و سپس از توصیه های خود را بیان می کنی که با اهل سنت بهترین رفتار را داشته باشید، «صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ، وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَ عُوذُوا مَرَضَاهُمْ، وَ اُدُّوا حُقُوقَهُمْ»؛ در میان این ها نماز بخوانید، در تشییع جنازه شان شرکت کنید، مریض هایشان را عیادت کنید و توصیه های فراوان دیگر. در انتها می فرماید به گونه ای رفتار کنید که وقتی این افراد شما را با این رفتار پسندیده می بینند بگویند او شیعه است و پیروی امام صادق (ع) است.

مسائلی در پاسخ به این سوال که آیا این رفتار امام ناشی از تقیه بوده است گفت: تقیه ای که این افراد از آن یاد می کنند تقیه ای است که به واسطه آن جان و اموال خود را از دیگران حفظ کنیم. اگر ما نگاه دوباره ای به روایات تقیه و تفسیر علما از تقیه داشته باشیم متوجه می شویم که ما دو نوع تقیه داریم. یک نوع تقیه خوفی که عاملش ترس و برای حفظ جان و مال است. اما نوع دیگر تقیه، تقیه مداراتی است. در تقیه مداراتی، طرف مقابل می داند که شما شیعه هستی، اما شما به گونه ای رفتار می کنی که عدم تعصب و خصومت خودت را بیان کنی.

وی ادامه داد: در تقیه مداراتی بیان می کنیم که تعصبی در اندیشه دینی خودمان نداریم بدین معنا که برخورد تند و ناشایست با دیگران نمی کنیم، طرف مقابل را به عنوان مسلمان می شناسیم اگرچه اختلاف مان در بحث ولایت اهل بیت (ع) پابرجاست. اگر ما این گونه رفتار کنیم دیگران خواهند گفت این قرائتی که امام صادق (ع) از اسلام بیان کرده است چه قرائت پسندیده و درستی است و این بهترین تبلیغ است.

وی افزود: انسان هرچه از فضیلت تشیع صحبت کند اما رفتارش ناشایست باشد نمی تواند دیگران را مجذوب تشیع کند، بلکه دور می کند. اما اگر حرف های پسندیده و حق بودن مکتب تشیع را در گفتار بیان کند و در عمل هم آن را نشان دهد، بالاترین تأثیرها را بر مسلمانان خواهد داشت و آن ها را جذب خواهد کرد. حتی اگر سخنان حق اهل بیت (ع) هم بیان نشود اما از طرف مقابل دستگیری شود، با آن ها حسن معاشرت داشته باشد و زبان را از توهین به مقدسات آن ها نگه دارد می تواند بهترین هدایت برای آن ها باشد.

این کارشناس دینی گفت: بنابراین تقیه مداراتی که از روی خوف و ترس نیست می تواند در کشور ما هم که اکثریت شیعه هستند و اساس حکومت با شیعیان است جاری باشد و این گونه اهل سنت را به سمت افراط گرایی به معنای دشمنی با تشیع نکشانیم. امروزه دشمنان شیعه از جمله وهابیت و داعش و غیره می خواهند از میان اهل سنت جذب داشته باشند و مستمسکشان این است که شیعه دشمن شماست.

حجت الاسلام مسائلی افزود: در بین شیعیان هم ممکن است اختلاف نظری و فکری و روایی وجود داشته باشد ولی نمی‌گوییم که باقی شیعیان برادر ما نیستند و دشمن ما هستند. بنابراین ما باید حد و مرز دشمنی را بشناسیم. ما با کسانی دشمن هستیم که در اصول اسلامی نمی‌توانیم جمع بشویم برای مثال کسی که نیوت و توحید را قبول نداشته باشد و با اهل بیت (ع) دشمن باشد. این در حالی است که بسیاری از اهل سنت نسبت به اهل بیت (ع) ارادت دارند. بسیاری از ایشان اهل بیت (ع) را جزو اولیای الهی، صاحب کرامت و صاحب منزلت‌های معنوی بالا می‌دانسته‌اند. برای مثال اهل سنت کرامات و فضائل زیادی از حضرت زهرا (س) نقل می‌کنند که شاید برخی از شیعیان از نقل این فضائل انگشت به دهان بمانند.

وی ادامه داد: بسیاری از هم‌نشینان امام صادق (ع) و کسانی که به خانه ایشان رفت و آمد داشتند اهل سنت بودند. مالک بن انس می‌گوید که اگر کسی به خلفا توهین و لعن کند کافر و فاسق است. با در نظر گرفتن این امر اگر حتی یک گزارش ضعیفی از امام صادق (ع) مبنی بر اینکه ایشان لعن می‌کنند وجود داشت؛ آیا مالک بن انس چنین بیان و مدح والایی را در مورد حضرت بیان می‌کرد که «ما رأی عین و لا سمعت أذن و لا خطر علی قلب بشر افضل من جعفر بن محمد الصادق فضلا و علما و عبادتا و ورعا». آیا این مدح‌های والا را بیان می‌کرد؟! هرگز! او چنین رفتارهایی ولو در خصوصی‌ترین مجالس امام صادق (ع) نمی‌دیدند.

وی در پایان گفت: امام صادق (ع) و اصحابشان گاهی برای اینکه توجه این افراد را جلب کنند و تعصبات مذهبی برانگیخته نشود مدح‌هایی ظاهری را از این افراد و حتی خلفای بعد از پیامبر بیان کرده‌اند که در کتاب‌های آن‌ها هم آمده است. هرچند ما می‌توانیم از این موارد برداشت تقیه کنیم اما پی‌می‌بریم که می‌توانیم از اهل سنت به نیکی نام ببریم. بعضی از متعصبین ناآگاه به کسانی که مثلاً از لفظ «جناب عمر» یا «جناب ابوبکر» استفاده می‌کنند اعتراض می‌کنند. درحالی که ائمه ما این‌گونه رفتار می‌کردند هرچند انتقادات را هم بیان می‌کردند. باید در نظر داشته باشیم اگر مبنا را بر توهین قراردادیم انتقادات شنیده نمی‌شود و حجاب مذهبی مانع شنیدن حرف‌ها می‌شود.

فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی در زمان امام صادق (ع)

حجت الاسلام جباری نیز در پاسخ به سوالی در مورد اینکه امام صادق (ع) در دوره حیات خودشان با چه مخالفین و چه فرقه و گروه‌های انحرافی روبه‌رو بودند؟ به خبرنگار مهر گفت: عصر امام صادق (ع) دوره بروز و رشد نحله‌ها و مکاتب فکری، اعتقادی و مذاهب فقهی است. در دوره این امام هنوز خوارج به عنوان یک گروه سیاسی و فکری فعالیت می‌کردند. همچنین در دوره امام صادق (ع)، گروه مرجئه هم بود که پیشینه‌اش به قرن اول برمی‌گشت و این گروه در راستای اهداف دستگاه خلافت بنی‌امیه فعالیت می‌کرد. معتزله هم در قرن دوم از دل گروه مرجئه پدید آمد.

وی افزود: همچنین در دوره امام صادق (ع) کم‌کم گروه‌های فقهی هم به وجود آمدند، گروه‌هایی که البته پیشینه‌شان به قرن اول و انحراف ایجادشده از خط امامت پس از رسول اکرم (ص) برمی‌گشت. در دوره امام صادق (ع) افرادی همچون ابوحنیفه و مالک بن انس در عرصه فقه خود نمایان شدند. این دو هنوز هم پیروان زیادی را در میان مسلمانان اهل سنت دارند و با وجود اینکه مخالف امام صادق (ع) بودند، اما با ایشان ارتباط داشتند. محمد ادریس شافعی و احمد بن حنبل از امامان مذاهب اهل سنت هم گرچه معاصر امام صادق (ع) نبودند، اما از شاگردان این امام حدیث آموختند.

این کارشناس دینی ادامه داد: در زمان امام صادق (ع) افرادی بودند که جزو مادی‌گراها به شما می‌رفتند و خدا را قبول نداشتند، آنها اصطلاحاً جزو زنادقه به حساب می‌آمدند، مثلاً ابن ابی‌العوجاء یکی از زنادیق‌های معروف عصر امام صادق (ع) بود.

مواجهه امام با مخالفین

جباری در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه امام صادق (ع) چگونه با مخالفین خود رفتار می‌نمود، گفت: یک اصل کلی که امام صادق (ع) در برخورد با مخالفان فکری و اعتقادی داشتند، بحث تبیین، روشن‌گری و ارتباط بود تا با این راه بتوانند حداکثر هدایت و ارشاد را در شخص مقابل داشته باشند. امام صادق (ع) این شیوه را هم در برابر غیر شیعه و هم در برابر غیر مسلمانان و زنادیق داشتند.

وی ادامه داد: به عنوان مثال مالک بن انس از شیعیان امام صادق (ع) نبود، اما او که در مدینه ساکن بود، با امام صادق (ع) ارتباط داشت و به خانه ایشان می‌رفت. خود این رفت و آمد مالک به خانه امام صادق (ع) نشان می‌دهد که امام به او روی خوش نشان می‌داد. مالک بن انس می‌گوید که من به صورت مستمر به محضر امام صادق (ع) می‌رسیدم و

ایشان به من احترام می گذاشت و امام صادق (ع) به من می گفت که من، تو را دوست دارم.

مدیر گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت: امام صادق (ع) از این برخورد اسلامی و قرآنی برای جذب اخلاقی مخالف استفاده می کند. مالک بن انس گرچه جزو سران مخالفین بود، اما از لحاظ اخلاقی تحت تأثیر امام صادق (ع) قرار گرفت و مدح ایشان را می کرد. مالک می گوید که من هرگاه من بر امام صادق (ع) وارد می شدم، ایشان با من گرم می گرفت و مرا در جای خوبی می نشانید. مالک همچنین در سفر حجی با امام صادق (ع) بود و حالات عرفانی ایشان را پس از این سفر برای دیگران توضیح داد.

رفتار نرم امام صادق (ع) با ابوحنیفه

وی افزود: شبیه این رفتارها را در مناظرات امام صادق (ع) با ابوحنیفه هم شاهد هستیم که امام تا آن جایی که ممکن بود، رفتار نرمی را با ابوحنیفه داشتند. همینطور در رفتار امام صادق (ع) با زنادقه و مخالفان غیرمسلمان هم شاهد چنین برخوردهایی هستیم. البته باید توجه داشته باشیم که رفتار امام صادق (ع) همیشه اینگونه نبود. در مواردی هم امام در عین داشتن رفتار نرم با طرف مقابل، حجت را بر او تمام کرد و پس از آن لازم بود که امام صادق (ع) یک برخورد تند و تشر به طرف مقابل بزند تا او بیدار شود.

جباری با اشاره به مناظرات امام صادق (ع) گفت: امام صادق (ع) با ابوحنیفه مناظره کرد، ایشان همچنین با فقهای زمان خود و حتی زندیق ها هم مناظراتی داشته اند. امام صادق (ع) علاوه بر اینکه خودشان مناظره می کردند، فن مناظره را به اصحاب خود همچون مفضل و هشام بن حکم تعلیم دادند، هشام بن حکم یکی از مناظره کننده های قوی در عصر خودش بود. البته امام صادق (ع) برخی از اصحاب خودشان که توانایی مناظره نداشتند را از این کار نهی می کردند.

وی ادامه داد: یک اصل در برخورد امام صادق (ع) با مخالفان، تبیین حقیقت مذهب از سوی ایشان بود. امام صادق (ع) در مناظرات از شیوه بیان نرم و استدلالی استفاده می کردند و این مناظرات تأثیرگذار بود و حتی مواردی هم به تشیع مخالفان منجر شد، به عنوان مثال می توان در این خصوص به مناظره امام صادق (ع) با مرد شامی اشاره کرد. شام در آن زمان تحت تأثیر بنی امیه بود، یکی از مردان شهر شام با سفر به مدینه از امام صادق (ع) خواست که با او مناظره کند. امام در نزد اصحاب برجسته خود همچون هشام بن حکم نشسته بود و به آن مرد شامی گفت که بیا با اصحاب من مناظره کن، اگر بر آنها غالب شدی، بر من هم غلبه خواهی کرد. سپس امام صادق (ع) به او گفت که در چه زمینه ای می خواهی مناظره کنی، امام اصحاب خود را در زمینه های مختلف از جمله فقه، متخصص بار آورده بود. در نهایت آن مرد شامی در مناظره با اصحاب امام صادق (ع) مغلوب شد و پس به امام گفت که من را از اصحاب خود قرار بده و امام صادق (ع) هم به اصحاب خودشان گفتند که این مرد شامی را تعلیم بدهید.

درس هایی از سیره امام صادق (ع)

این کارشناس دینی در مورد درس های سیره امام صادق (ع) گفت: اصل اول در برخورد با مخالفان که یک اصل قرآنی است و از سیره معصومان گرفته شده، ارتباط بیشتر است. ما باید بین مخالفان فکری و معاندین تفاوت قائل شویم، در برخورد با دشمنان و معاندین مجال بحث، مناظره و گفت گو نیست و باید به صورت عملی با او برخورد کنیم، به عنوان مثال داعش به خون شیعه تشنه است و در برخورد با داعش مناظره مطرح نیست. اما در برخورد با مخالف فکری و اعتقادی باید با او نرم سخن گفت. امام علی (ع) تا زمانی که خوارج دست به سلاح نبردند، با آنها گفتگو می کرد. امام صادق (ع) هم با مخالفان فکری و اعتقادی خود به نرمی سخن می گفتند و با آنها مناظره می کردند و استدلال های امام در وجود این مخالفان تأثیر می گذاشت. بخشی از مناظرات امام صادق (ع) را مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج جمعآوری کرده است.